



اگر
پزشکیان
نبود



برند کلی

شهریور ۱۴۰۴
هفته دولت
ورژنامه

طریق «شفاف سازی و روایت های صریح» به خصوص از سوی رئیس جمهوری این بحران را مدیریت کند، اظهار نظر من درست هست؟

بله دقیقاً. دولت در مدیریت بحران های کوتاه مدت برخی اقدامات در خدمت «منافع عمومی» بود و از «اعتراضات اجتماعی سریع با مدیریت صحیح و شفاف سازی با بیان واقعیت ها» جلوگیری کرد، اما عدم پیشبرد اصلاحات ساختاری و ناتوانی در جذب سرمایه گذاری خارجی یا حل سریع بحران برق، موجب شد که اثر واقعی بر معیشت شهروندان محدود بماند. آن هم نه اینکه دولت نمی خواست بلکه بحران های متعددی که عرضه کردم و همچنین انباشت مطالبات و ناکارآمدی مدیریت دولتی فرصتی را برای دولت در این سال برای اصلاحات ساختاری فراهم نکرد اما با وجود این و با تمامی این عوامل اقدامات آغاز شده است.

○ انجام اصلاحات نیازمند زمان است که اتفاقاً زمان یک ساله هم مصادف شده با بحران های اقتصادی و سیاسی که البته منشأ آنها هم دولت فعلی نبوده است؟

بله، هنوز متأسفانه مدیریت بودجه با وجود افت منابع؛ در عین حال، تداوم کسری ساختاری و افزایش سهم هزینه های جاری، فضای مانور سیاست مالی را محدود نگه داشته است. مدیریت بحران انرژی عمدتاً واکنشی بوده و به دلیل شکاف سرمایه گذاری، خاموشی ها به معیشت و تولید لطمه زده اند. شوک ارزی و جابه جایی تیم اقتصادی با برکناری وزیر اقتصاد در اسفند ۱۴۰۳ نشانه ای از فشارها و عدم اجماع سیاسی بود. ارزیابی یک ساله عملکرد اقتصادی دولت چهاردهم نشان می دهد که مسیر پیش رو، همچنان پرتلاطم بوده است و همان گونه که گفتید این هم ناشی از عملکرد دولت نبوده بلکه حاصل اعمال خارج از دولت بوده است. به طور مثال وزیر اقتصاد دولت در همان ابتدای کار تنها به دلایل سیاسی استیضاح شد و عملاً کاری که باید صورت می گرفت یعنی تک نرخی کردن ارز در همان موقع عقیم ماند. حالا نکته جالب آنکه همان هایی که همتی وزیر اقتصاد را استیضاح کردند حالا به دنبال احیای تک نرخی کردن ارز هستند؛ در حالیکه در شرایط فعلی این امکان برای اقتصاد وجود ندارد و آنها می خواهند آن را عمیاتی کنند که این به معنای ضربه زدن به دولت است.

○ آن گونه که منتقدان اشاره می کنند، آمارهای مربوط به رشد و تورم چندان رضایت بخش نیست. تحلیل شما چیست؟

رشد اقتصادی کشور در بهار ۱۴۰۴، بنا بر گزارش های رسمی، به ۱.۴ درصد رسید و در صورت حذف بخش نفت، این رقم ۱.۲ درصد است. بی تردید این نرخ رشد نسبت به برخی سال های گذشته پایین تر است، اما برای تحلیل منصفانه باید محدودیت ها و فشارهای حاکم را در نظر گرفت. قطع مکرر برق و گاز واحدهای صنعتی، افزایش هزینه های تولید و تنگنای صادرات ناشی از تشدید تحریم ها، همگی آثار کاهنده ای بر رشد گذاشتند.

در عرصه تورم، افزایش بیش از ۵۰ درصدی در قیمت برخی اقلام ضروری مانند گوشت و لبنیات، شاخصی هشداردهنده است، اما باید به دلایل آن پرداخت: وابستگی شدید به نهاده های وارداتی، هزینه های بالای حمل و نقل تحت شرایط تحریم، و اختلال در زنجیره تأمین، عامل اصلی رشد قیمت ها بوده اند. با وجود این، دولت سیاستی محتاطانه اما اصولی را در پیش گرفت؛ پرهیز از تزریق بی محابای نقدینگی و مراقبت از انضباط مالی، اگرچه در کوتاه مدت به معنای رشد محدود است، اما در میان مدت و بلندمدت، امکان کنترل پایدار تورم و ایجاد بستر توسعه را افزایش می دهد. این نگاه، بیش از آن که به منطق سیاسی کوتاه مدت پاسخ دهد، بر خردورزی اقتصادی و دوراندیشی تکیه دارد.

○ بحران انرژی از مسائل جدی بوده است. ارزیابی شما از عملکرد دولت چیست؟

بی گمان بحران انرژی که هم در زمستان و هم در تابستان گذشته بروز کرد، فشار قابل توجهی بر اقتصاد و معیشت وارد ساخت. اما ضروری است یادآوری



شود که این مشکل ریشه ای طولانی دارد؛ کمبود سرمایه گذاری در توسعه زیرساخت های نیروگاهی، فرسودگی شبکه های انتقال و توزیع، و ناهماهنگی میان رشد مصرف و ظرفیت تولید، همگی روندی انباشت شده را رقم زده اند که در نهایت بر دوش این دولت سنگینی کرده است.

دولت چهاردهم در فاز کوتاه مدت، با اولویت بندی مصرف، مدیریت برنامه ریزی شده خاموشی ها و هدایت منابع محدود، تلاش کرد از آسیب فوری به بخش های حیاتی جلوگیری کند. همزمان، مذاکرات و رایزنی هایی برای جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی، استفاده از فناوری نوین و ارتقای بهره وری در حوزه انرژی آغاز شده که نویدبخش حرکت به سوی اصلاح ریشه ای است. این رویکرد نشان می دهد دولت مسأله را صرفاً یک بحران گذرا قلمداد نکرده و بر ضرورت بازسازی ساختار انرژی واقف است.

○ به نظر شما اولویت های کلان دولت در ادامه مسیر چه باید باشد؟

معتقدم عبور موفق دولت از برهه خطیر کنونی صرفاً با اتخاذ یک یا چند سیاست مقطعی امکان پذیر نیست، چرا که نیازمند مجموعه ای همزمان و هماهنگ از اصلاحات و اقدامات بنیادین است که بتوانند ساختار معیوب اقتصاد را بازسازی کرده و مسیر رشد پایدار را هموار سازند. برای این موضوع اولین گام را اجرای اصلاحات عمیق در سه حوزه کلیدی نظام بانکی، مالیاتی و یارانه ای می دانم؛ اصلاحاتی که هدف آن مهار پایدار تورم از رهگذر زدودن ریشه های ساختاری تورمزا و کارآمدتر ساختن تخصیص منابع است.

به طور مثال حذف یارانه های غیرهدفمند که سال ها به اتلاف منابع و تقویت نابرابری انجامیده و همچنین وضع مالیات بر فعالیتهای سوداگرانه مانند سفته بازی در بازار ارز، طلا و مسکن، ابزارهایی هستند که به اعتقاد بنده می توانند دولت را در مسیر بازگشت به انضباط مالی و تقویت بنیان های تولیدی یاری دهند.

پیگیری یک دیپلماسی فعال و هوشمندانه گام بعدی است که نه تنها با هدف کاهش دامنه و شدت تنش های خارجی، بلکه به منظور گشودن دروازه های تعامل اقتصادی به روی سرمایه گذاران داخلی و خارجی و ارتقای تجارت بین المللی کشور باید طراحی شود.

به جد معتقد هستم بدون چنین گشایشی در عرصه بین الملل، حتی دقیق ترین و جسورانه ترین برنامه های داخلی نیز با محدودیت منابع و کمبود سرمایه مواجه خواهند شد.

خلق محیطی مساعد برای کسب و کار سومین موضوع حیاتی برای آینده اقتصاد کشور است. چرا که این مهم تنها با زدودن مقررات زائد، کوتاه کردن مسیرهای پریپیچ و خم اداری و تضمین رقابتی سالم میان فعالان اقتصادی تحقق می یابد. چنین فضایی نه تنها کارآفرینان را برای سرمایه گذاری و نوآوری تشویق

اولین گام را
اجرای اصلاحات
عمیق در سه
حوزه کلیدی
نظام بانکی،
مالیاتی و
یارانه ای
می دانم؛
اصلاحاتی که
هدف آن مهار
پایدار تورم از
رهگذر زدودن
ریشه های
ساختاری تورمزا
و کارآمدتر
ساختن
تخصیص منابع
است